

تأثیر آموزش مهارت‌های کارآفرینی در کلاس‌های سواد آموزی بر خودکارآمدی و خودنظم‌دهی ادراک شده

زهرا مختاری¹، معصومه مختاری²، فرهاد شفیق پور مطلق³

1. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه پیام نور واحد سمیرم

3. استادیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های کارآفرینی در کلاس‌های سواد آموزی بر خودکارآمدی و خودنظم‌دهی ادراک شده بوده است. در این تحقیق از طرح آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایشی و کنترل استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه سواد آموزان شهر تهران در سال 1397-98 بوده است. تعداد 50 نفر از سواد آموزان بالای 40 سال سن بطور تصادفی انتخاب شده و در دو گروه آزمایش (25 نفر) و کنترل (25 نفر) بطور تصادفی قرار گرفتند. ابزار تحقیق دو پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و آدامز (1983) و پرسشنامه خودنظم‌دهی انل و هانگ (2001) بوده که به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر روی دو گروه اجرا شد. میزان ادراک خودکارآمدی و خودنظم‌دهی بعد از اتمام برگزاری 8 جلسه آموزش مهارت‌های کارآفرینی برای گروه آزمایشی و گروه کنترل مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد، برنامه مداخله ای اثر آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر توسعه ادراک خودکارآمدی و خودنظم‌دهی در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده است.

کلید واژه ها

آموزش مهارت‌های کارآفرینی، سوادآموزی، خودکارآمدی، خودنظم‌دهی

کلاسهای سوادآموزی باید براساس نیازهای سوادآموزان متحول شده، به گونه ای که تکاپوی نیازهای آنها در جامعه ای که زندگی می کنند، باشد. این درحالی است که افراد بی سواد به دلیل احساس خودکارآمدی ضعیف، تمایلی برای شرکت در کلاسهای سوادآموزی نداشته و در رابطه با یادگیری احساس ناتوانی می کنند. ازسویی دیگر از آنجایی که در سن بالایی هستند و فکر می کنند که آموزش خواندن و نوشتن برای سنین پایین بوده و برای آنها دیر شده است، لذا در صورتی که دریابند که با شرکت در کلاس های سوادآموزی، مهارتهای کارآفرینی را می گذرانند و می توانند آنها را در زندگی و خواستگاری بکار گیرند و از این بابت مشکلات زندگی آنها برطرف شود، رغبت آنها برای حضور در چنین کلاسهایی بیشتر می شود. از اینرو در این تحقیق، تأثیر آموزش مهارتهای کارآفرینی بر خودکارآمدی و خودنظم دهی ادراک شده سوادآموزان مورد بررسی قرار گرفته است .

آموزش مهارت های کارآفرینی یک عامل پیش نیاز برای پیشبرد اهداف فردی و سازمانی و در نهایت توسعه اقتصادی کشور است . کارآفرینی در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع نقش تعیین کننده ای دارد. اهمیت کارآفرینی و تأثیر آن بر سرنوشت کشورها تا حدی است که برنامه ریزان و سیاست گذاران برای توسعه آن در ابعاد گوناگون تلاش نمایند (قلندری، پاک طینت و ایمانی، 1392). آموزش کارآفرینی مبتنی بر آموزش کلیه مهارتهایی است که به افراد یاد می دهد که برای خود بازارهای جدید را ایجاد کرده و نوآوری داشته باشند. کارآفرینان افرادی هستند که توانایی خلق ارزشهای جدید را دارند و از این بابت می توانند سرمایه گذاری کنند (الوارز و لول، 2001).

آموزش های کارآفرینی موجب می شود تا نگرش کارآفرینانه افراد دچار تغییر شود و این خود نقطه اتکایی است تا از طریق این آموزش ها بتوان نگرش کارآفرینانه افراد را تقویت کرد و به سمت رفتار کارآفرینانه سوق داد. اعتقاد بر این است که باورها و نگرش ها آموخته می شوند و زمانی که حتی بر اساس تعلیمات خانوادگی و محیط اجتماعی ایجاد شده اند، باز هم می توان با آموزش و یادگیری در آنها تغییراتی ایجاد کرد. راشید بیان می کند که نتایج تحقیق محققان حاکی از آن است که مداخلات آموزشی تأثیر مستقیم بر افزایش جنبه های خاص نگرش کارآفرینانه دارد. همچنین، مطالعات قبلی در این خصوص نشان می دهد که آموزش های کارآفرینی می توانند نگرش در جهت کارآفرینی را تغییر دهند (رابینسون، 1991). دوره های آموزش کارآفرینی برای همه

گروه‌های سنی لازم و ضروری است) زرگران خوزانی و زرگران خوزانی، 1395). برنامه‌ی آموزش کارآفرینی فرایندی نظام مند، آگاهانه، و هدف‌گرا می‌باشد که طی آن افراد غیر کارآفرین ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت می‌گردند. آموزش مهارت‌های کارآفرینی با خودکارآمدی ادراک شده در افراد در رابطه است. از دیدگاه (بندورا، 1997) خودکارآمدی، توانایی فرد در انجام عملی خاص در کنار آمدن با یک موقعیت ویژه است. به عبارتی خودکارآمدی به قضاوت‌های افراد در رابطه با توانایی هایشان برای به ثمر رساندن سطوح طراحی شده عملکرد اطلاق می‌شود (سلیمانی فرد و شعبانی، 1392). خودکارآمدی نقش مهمی بر رشد رفتار انسان دارد (میس و همکاران، 2006). خودکارآمدی بر عملکرد واقعی افراد، انتخاب‌ها، سازماندهی و اجرای دوره‌های عمل در جهت دستیابی و به ثمر رساندن سطوح عملکرد، پیشرفت و میزان تلاشی که فرد صرف یک فعالیت می‌کند، مؤثر است (ریگالیا و بندورا، 2002). (نتایج تحقیق) محسنی، موسوی و جمالی، 1392) نشان داد، آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه و باورهای خودکارآمدی عمومی دانشجویان تأثیر مثبت دارد.

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که فرایندها و برنامه‌های آموزشی خاص می‌تواند با تغییر بینش و نگرش افراد و تجهیز آنها به دانش و مهارت‌های خاص، یک کارآفرین بالقوه را به کارآفرین بالفعل تبدیل کند. آموزش‌های کارآفرینی بر نگرش خاص به کارآفرینی تأثیرگذار است (شپر و ایوان، 1999).

مطالعات (لوتانز، الکساندر، استاجکویک و الینا، 2000) نشان داد، از آنجایی که آموزش به توانمندسازی افراد منجر می‌شود، با آموزش‌های کارآفرینی می‌توان توانمندی افراد در را زمینه کارآفرینی جهت داد و این توانمندسازی به باور خودکارآمدی کارآفرینی در افراد منجر می‌شود آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر رفتار خودنظم‌دهی افراد مؤثر است. به تازگی مفهوم خودنظم‌دهی یا خودتنظیم‌گری در روانشناسی پرورشی جای مهمی به خود اختصاص داده است. خودنظم‌دهی به آن دسته تلاش‌های منظم و سیستماتیک اطلاق می‌شود که برای جهت‌دهی به افکار و احساسات و عملکردهای فردی برای رسیدن به اهداف فردی انجام می‌شود. بطور کلی خودتنظیمی به عنوان قابلیت فرد برای تنظیم رفتار براساس تغییر شرایط بیرونی و درونی محیط است که شامل خوداجرابی در کنش‌های ویژه‌ای مانند برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت می‌شود (لموس، 1999). فرد خودنظم‌دهنده به عنوان حل

¹ . Shepherd, and Evan

² . Luthans, Alexander , Stajkovic, and Elina

کننده فعال مسئله شناخته می شود و هدفش بهبود توانایی ها و عملکردهایش می باشد (پیرلمان، 2010). خودنظم دهی براساس نظریه های از قبیل نظریه هدف (لاتام، و لاک، 1991)، تئوری کنترل (کارور و شایر، 1998)، تئوری های شناخت اجتماعی (باندورا، 1997) قابل تبیین است. این نظریات بر سه سازه خود تنظیمی استوارند که عبارتند از: آگاهی فراشناختی (اسکریو و دنیسون، 1994¹)، مقررات نظم دهی (بروکنر و هیجینز، 2001²)، معنای و خودکارآمدی (باندورا، 1997) مطالعات (گرانگ و توری، 2003³) نشان داد، خودتنظیمی با آموزش مهارتهای کارآفرینی در رابطه است. مطالعات (بریان، 2006) نشان داد، آموزش کارآفرینی از طریق مهارتهای خودتنظیمی بهبود می یابد. ابعاد خودتنظیمی مانند کارآمدی و فراشناخت نقش مهمی در آموزش ایفا می کنند (بوکائرت، مائس، کارولی، 2005⁴)

روش تحقیق

تحقیق حاضر، از نوع تحقیقات آزمایشی است که افراد مورد مطالعه، بطور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل قرار گرفته اند. جامعه آماری شامل کلیه سواد آموزان شهر تهران در سال 98-1397 بوده است. تعداد 50 نفر از سواد آموزان بالای 40 سال سن بطور تصادفی انتخاب شده و در دو گروه آزمایش 25 نفر (و کنترل) 25 نفر بطور تصادفی قرار گرفتند. ابزار تحقیق دو پرسشنامه خودکارآمدی و خودنظم دهی بوده که به عنوان پیش آزمون و پس آزمون بر روی دو گروه اجرا شد.

ابزار تحقیق عبارتند از:

1. پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و آدامز (1983): این پرسشنامه دارای 23 گویه بوده که 17 گویه آن مربوط به خودکارآمدی عمومی و 6 گویه دیگر مربوط به تجارب خودکارآمدی در موقعیت های اجتماعی است. البته در این تحقیق از 17 گویه این پرسشنامه استفاده شده است. یک پرسشنامه مداد کاغذی است که خودکارآمدی آزمودنی را در سه سطح: 1- میل به آغازگری رفتار، 2- میل به تلاش برای تکمیل رفتار، 3- مقاومت آنها در رویارویی با موانع (به نقل از نریمانی واحدی، 1389) می سنجد. مقیاس آن براساس طیف پنج درجه لی لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) حداقل و حداکثر نمره در این مقیاس 17 و

1. Schraw & Dennison

2. Brockner, & Tory Higgins

3. Grant and Tory

4. Boekaerts, Maes, and Karoly

85 می باشد. ضریب اعتبار این پرسشنامه در تحقیق^۰ (کرامتی، 1380) برابر 0/86 بدست آمده و در تحقیق حاضر ضریب اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر 0/91 بدست آمده است. نیز روایی ملاکی آن با استفاده از ضریب همبستگی با خرده مقیاس ضریب اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر 0/93 بدست آمده است.

2. پرسشنامه خودنظم دهی: برای سنجش آن از پرسشنامه 34 مادهای خودنظم دهی انل و هانگ (2001) که شامل 4 عامل برنامه ریزی، خودارزیابی، تلاش و خودکارآمدی بوده، استفاده شده است. روایی محتوایی آن براساس نظرات خبرگان و متخصصان فراهم شده است. ضریب اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برابر 0/93 بدست آمده است.

جدول 1. پروتکل آموزش مهارتهای کارآفرینی

جلسه	مداخله
اول	تعریف کارآفرینی
دوم	ویژگیها و رویکرد رفتاری کارآفرینان
سوم	فرآیند کارآفرینی و عوامل موثر بر آن
چهارم	تفاوت ایده ، خلاقیت و نوآوری
پنجم	فرصت شناسی و تعیین رشته فعالیت
ششم	ایجاد ایده های سرمایه گذاری معیار های اصلی ارزیابی ایده ها
هفتم	تهیه طرح کسب و کار
هشتم	مقایسه طرح های کسب و کار تهیه شده

فرضیه های تحقیق

بین آموزش مهارتهای کارآفرینی در کلاس های سواد آموزی و خودکارآمدی ادراک شده رابطه معناداری وجود دارد.

جدول 2. مقایسه میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون خودکارآمدی در دو گروه آزمایش و کنترل

نمرات متغیر وابسته در گروه آزمایش و کنترل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره	واریانس
پیش آزمون خودکارآمدی (گروه آزمایش)	25	38/68	28/25	45	57	28/36
پس آزمون خودکارآمدی (گروه آزمایش)	25	45/72	36/18	67	71	34/52
پیش آزمون خودکارآمدی (گروه کنترل)	25	37/56	31/42	38	55	41/19
پس آزمون خودکارآمدی (گروه کنترل)	25	36/87	27/59	38	62	37/84

بر اساس یافته های جدول فوق، میانگین خودکارآمدی سوادآموزان گروه آزمایش از 32/68 بعد از آموزش به 45/72 افزایش یافته است و در گروه کنترل، میانگین خودکارآمدی از 37/56 به 36/87 تغییر یافته است. چنانکه ملاحظه می شود، میانگین گروه آزمایش و کنترل تفاوت قابل ملاحظه ای داشته است که برای مشخص کردن معناداری تفاوت از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است.

آزمون تحلیل کوواریانس

برای محاسبه معناداری یا عدم معناداری میزان تفاوت گروه آزمایش و کنترل در خصوص متغیر خودکارآمدی از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده بعمل آمده است.

جدول 3. آزمون تحلیل کوواریانس برای میزان معناداری تفاوت خودکارآمدی دو گروه آزمایش و کنترل

منبع واریانس	مجموع مجدورات	درجه آزادی	مجدورات میانگین	F	سطح معناداری	مجدور ایتهای جزئی
گروه	4382/593	1	4382/593	42/395	0/001	0/523
خطا	6836/782	24	357/527			
کل	17648/00	26				
کل	15784/00	25				

براساس یافته های جدول فوق، مجموع مجدورات و میانگین مربعات مربوط به گروهها برابر $4382/593$ و $42/395$ می باشد که در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده است. به بیانی دیگر بین گروهها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معناداری ملاحظه شده است و بیانگر این است که آموزش مهارتهای کارآفرینی بر خودکارآمدی ادراک شده توسط سوادآموزان تأثیر معناداری داشته است. مربع ای‌تای جزئی (اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته برابر $0/403$ بوده است که نشان می دهد، 52 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل (آموزش مهارتهای کارآفرینی) قابل تبیین بوده و بیانگر آن است که آموزش مهارتهای کارآفرینی توانسته است، 52 درصد بر خودکارآمدی ادراک شده توسط سوادآموزان اثرگذار باشد. لذا نتیجه این است که آموزش مهارتهای کارآفرینی بر خودکارآمدی ادراک شده تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

فرضیه دوم

بین آموزش مهارتهای کارآفرینی در کلاس های سواد آموزی و خودنظم دهی ادراک شده رابطه معناداری وجود دارد .

جدول 4. مقایسه میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون و پس آزمون خودنظم دهی در دو گروه آزمایش و کنترل

نمرات متغیر وابسته در گروه آزمایش و کنترل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره	واریانس
پیش آزمون خودنظم دهی (گروه آزمایش)	25	37/10	24/07	38	47	32/11
پس آزمون خودنظم دهی (گروه آزمایش)	25	68/53	30/38	72	82	46/62
پیش آزمون خودنظم دهی (گروه کنترل)	25	36/25	27/54	35	49	26/33
پس آزمون خودنظم دهی (گروه کنترل)	25	38/49	39/26	39	65	29/84

براساس یافته های جدول فوق، میانگین خودنظم دهی سوادآموزان گروه آزمایش از $37/10$ بعد از آموزش به $68/53$ افزایش یافته است و در گروه کنترل، میانگین خود نظم دهی از $36/25$ به $76/71$ تغییر یافته است. چنانکه ملاحظه می شود، میانگین

گروه آزمایش و کنترل تفاوت قابل ملاحظه ای داشته است که برای مشخص کردن معناداری تفاوت از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است.

آزمون تحلیل کوواریانس

برای محاسبه معناداری یا عدم معناداری میزان تفاوت گروه آزمایش و کنترل در خصوص متغیر خود نظم دهی از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده بعمل آمده است.

جدول 5. آزمون تحلیل کوواریانس برای میزان معناداری تفاوت خودنظم دهی دو گروه آزمایش و کنترل

منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجزورات میانگین	F	سطح معناداری	مجزور ایتهای جزئی
گروه	5364/607	1	5390/312	37/252	0/001	0/643
خطا	5927/529	24	4207/296			
کل	14735/00	26				
کل	13692/00	25				

بر اساس یافته های جدول فوق، مجموع مجزورات و میانگین مربعات مربوط به گروهها برابر 5364/607 می باشد که در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده است. به بیانی دیگر بین گروهها بعد از تعدیل نمرات پیش آزمون اختلاف معناداری ملاحظه شده است و بیانگر این است که آموزش مهارتهای کارآفرینی بر خودنظم دهی ادراک شده توسط سوادآموزان تأثیر معناداری داشته است. مربع ایتهای جزئی (اندازه اثر) برای تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته برابر 0/643 بوده است که نشان می دهد، 64 درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل (آموزش مهارتهای کارآفرینی) قابل تبیین بوده و بیانگر آن است که آموزش مهارتهای کارآفرینی توانسته است، 64 درصد بر خودنظم دهی ادراک شده توسط سوادآموزان اثرگذار باشد. لذا نتیجه این است که آموزش مهارتهای کارآفرینی بر خودنظم دهی ادراک شده تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

نتیجه گیری و بحث

برای تشکیل کلاسهای سوادآموزی برای بزرگسالان باید به گونه ای با آنها رفتار کرد که انگیزه ای برای حضور در اینگونه کلاسها را داشته باشند. به نظر می رسد در صورتی که برای سواد آموزان ضمن یاددادن خواند و نوشتن به آموزش مهارتهای کارآفرینی پرداخته شود، ادراک خودکارآمدی و خودنظم دهی آنها افزایش می یابد و از اینرو احساس می کنند که کلاسهای سوادآموزی برای آنها مفید می باشد. یافته های تحقیق نشان داد، فرضیه اول (بین آموزش مهارتهای کارآفرینی در کلاس های سوادآموزی و خودکارآمدی ادراک شده رابطه معناداری وجود دارد) تأیید شده است. در واقع اثر آموزش مهارتهای کارآفرینی بر خودکارآمدی ادراک شده، مثبت و معنادار بوده است و تفاوت معناداری بین گروه آزمایش سوادآموزانی که تحت تأثیر آموزش مهارتهای کارآفرینی قرار داشتند (و گروه کنترل) سوادآموزانی که تحت تأثیر آموزش مهارتهای کارآفرینی قرار نداشتند (در سطح $P < 0/05$) از این بابت ملاحظه شده است. نتایج تحقیق در این رابطه با نتایج تحقیقات (راینسون، 1991؛ بندورا، 1997؛ ریگالیا و بندورا، 2002؛ میس و همکاران، 2006؛ محسنی، موسوی و جمالی، 1392) همسو بوده است. مطالعات آنها نیز نشان داد، آموزش مهارتهای کارآفرینی بر نگرش و بینش و توانش اثر گذار بوده است. با آموزش مهارتهای کارآفرینی می توان نظرات سوادآموزان را بطور مثبت تغییر داد تا حدی که به این باور برسند که می توانند در هر موقعیت و زمانی از فرصت هایی که فراهم می کنند برای زندگی و پیشرفت خود استفاده کنند و کلاس های سوادآموزی بسیار برای آنها سودمند و مفید بوده زیرا از فراتر از خواندن و نوشتن در آنها توانایی هایی ایجاد می کند که برای آنها در جامعه بکار می آید.

نیز یافته های تحقیق نشان داد، فرضیه دوم (بین آموزش مهارتهای کارآفرینی در کلاس های سوادآموزی و خودنظم دهی ادراک شده رابطه معناداری وجود دارد) تأیید شده است. در واقع اثر آموزش مهارتهای کارآفرینی بر خودنظم دهی ادراک شده، مثبت و معنادار بوده است و تفاوت معناداری بین گروه آزمایش (سوادآموزانی که تحت تأثیر آموزش مهارتهای کارآفرینی قرار داشتند) و گروه کنترل) سوادآموزانی که تحت تأثیر آموزش مهارتهای کارآفرینی قرار نداشتند (در سطح $P < 0/05$) از این بابت ملاحظه شده است. نتایج تحقیق در این رابطه با نتایج تحقیقات (لاتام و لاک، 1991؛ بندورا، 1997؛ کارول و شایر، 1998؛ لموس، 1999؛ گرانت و همکاران، 2001؛ پیرلن، 2010) همسو بوده است. مطالعات آنها نیز نشان داد، بین آموزش مهارتهای کارآفرینی با ادراک خود تنظیمی در افراد رابطه معناداری وجود دارد. آنها دریافتند که آموزش مهارتهای کارآفرینی منجر به خودساماندهی در

افراد می شود به گونه ای که قادر می شوند برای خود برنامه ریزی کرده و در فرایند برنامه ریزی هایی که در رابطه با ابعاد مختلف زندگی می کنند، بطور مستمر به خودارزیابی پرداخته و روند پیشرفت خود را در راستای رسیدن به اهداف موردنظر بررسی نمایند. افرادی که به مهارت خودنظم دهی دست می یابند، برای فعالیت های خود، چارچوبی تعریف می کنند که از مسیر رسیدن به هدف خارج نشده و مبتنی بر هدف مشخص به فعالیت پردازند. لذا دچار اتلاف در منابع نشده و با حداقل درآمد، بهترین کیفیت زندگی را تجربه می کنند.

منابع

- زرگران خوزانی، فاطمه؛ زرگران خوزانی، مجتبی. آموزش ذهنیت کارآفرینی (مطالعه موردی؛ شیوه های آموزش کارآفرینی در کشورهای مختلف)، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، 1395 تیرماه، 30 مرکز همایش های پژوهشگاه نیرو،
- سلیمانی فرد، امید؛ شعبانی، فرزانه، رابطه بین خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت با سازگاری تحصیلی دانشجویان کارشناسی سال اول دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره 10، شماره 17، بهار، صص 83-104، 1392.
- قلندری، ارسطو؛ پاک طینت، اقبال؛ ایمانی، اسماعیل، آموزش مهارت های کارآفرینی، همایش ملی دانشگاه کارآفرین (صنعت دانش محور)، بابلسر، دانشگاه مازندران، 1392.
- کرامتی، هادی، بررسی رابطه خودکارآمدی ادراک شده دانش آموزان سوم راهنمایی شهر تهران و نگرش نسبت به درس ریاضی با پیشرفت آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران، 1380.
- محسنی، عادل؛ موسوی، سید حسین؛ جمالی، محمد، نقش آموزش کارآفرینی در نگرش کارآفرینانه و باور خودکارآمدی عمومی دانشجویان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره 69، صص 80-63، 1392.
- Alvarez, Sharon A., and Lowell W. Busenitz. "The entrepreneurship of resource-based theory." *Journal of management* 27, no. 6 (2001): 755-577
- Boekaerts, Monique, Stan Maes, and Paul Karoly. "Self-regulation across domains of applied psychology:

Is there an emerging consensus?." *Applied Psychology* 54, no. 2 (2005): 149-.451

Brockner, Joel, and E. Tory Higgins. "**Regulatory focus theory: Implications for the study of emotions at work.**" *Organizational behavior and human decision processes* 86, no. 1 (2001): 35-.66

Douglas, D., & Shepherd, D, "**Entrepreneurship as autitly maximinzing response**". *Journal of Business Venturing*, 15(3), 237-257,1999.

Grant, Heidi, and E. Tory Higgins. "**Optimism, promotion pride, and prevention pride as predictors of quality of life.**" *Personality and Social Psychology Bulletin* 29, no. 12 (2003): 1521-.2351

Luthans, F., Stajkovic, A., & Ibrayera, E, " **Enviornmental and psychological callenges fading entrepreneuriral develop ment in transitional economic**". *Journal of World Business*, 35(1), 95-110,2000.

Robinson, P., Stimpson, D., Huefner, Y., & Hunt, K, " **An attitude approach to the prediction of entrepreneurship**". *Jounral of Small Business and Enterprise Development*, 10(1), 106 -122,1991.

Schraw, Gregory, and Rayne Sperling Dennison. "**Assessing metacognitive awareness.**" *Contemporary educational psychology* 19, no. 4 (1994): 460-475.

Shepherd, Dean A., and Evan J. Douglas. "**Attracting Equity Investors**". Sage, 1999.